

آیدین آغداشلو در موزه پروژ بلژیک



باراک اوباما، هنرمند بلژیکی «دیوید کلویت» و هنرمند سوری - آمریکایی «ایانا الحدید» به نمایش در آمد. این پنج هنرمند با نگاهی اقتباسی به آثار «مملینگ»، گفتمانی تاریخ‌محور را با این نقاش برقرار کرده‌اند. اثر به نمایش درآمده و در موزه پروژ بلژیک در این نمایشگاه «سال‌های آتش و برف» ۲۱ نام دارد که روی جلد کتاب نمایشگاه جای گرفت. این تابلو با تکنیک گواش روی مقوا، ۵۹ در ۷۹ سانتیمتر پدید آمده و به مجموعه بنیاد فرجام در دوبی تعلق دارد. «میشل

آفتاب یزد: موزه پروژ بلژیک در چهار ماه اخیر، میزبان اثری از آیدین آغداشلو بود که ۲۲ سال پیش با الهام از «مملینگ» خلق شده است. «مملینگ امروز» عنوان نمایشگاهی بود که برای اولین بار به تاثیر گذاری گسترده «هانس مملینگ» از مهمترین نقاشان سبک پروژ بلژیک، بر روی هنر معاصر پرداخت. در این نمایشگاه گروهی که طی چهار ماه اکتبر تا فوریه ۲۰۲۱ به تماشا بود به جز اثر آیدین آغداشلو، اثری از «جوزف کوسوت» از بنیان گذاران هنر مفهومی، «کهنه‌دایه‌ای» نقاش سیاه‌پوست آمریکایی برتره رسمی

نگاهی به وضعیت یکی از قدیمی ترین مراکز فرهنگی که حال و روز خوبی ندارد

غرب تئاتر در «تئاتر شهر»



پارک دانشجو و تئاتر شهر می‌شود، به ذهنش می‌آید. اما امروز به قول رسول نجفیان عزیز «کجاست اون کوچی؟ چی شد اون خونه؟ آدماش کجان؟ خدا می‌دونه» امروز وقتی از پارک دانشجو و «تئاتر شهر» سخن به میان می‌آید دوست داری سرت را محکم به دیوار بکوبی، دوست داری با صدای بلند فریاد بزنی و برای مهجوریت و تنهایی «تئاتر شهر» و پارک دانشجو گریه کنی، امروز دیگری خبری از آن چهره زیبایی که در گذشته در این منطقه و در بسیاری از مناطق دیگر وجود داشت، نیست. امروز دلت نمی‌خواهد از کنار پارک دانشجو عبور کنی، دلت نمی‌خواهد بروی در داخل پارک بنشینی، دلت نمی‌خواهد از دور نگاهی به سیمای ساختمان دیراهی‌اش شکلی که در «تئاتر شهر» مشهور است، بیندازی، نه اینکه دوستش نداشته‌ی و نه اینکه حتی دوست نداشته باشی که چنین کاری را انجام دهی، نه، امکانش برایت وجود ندارد، از دور در آنسوی خیابان که باستانی و سرت را به سمت ساختمان «تئاتر شهر» بچرخانی همه چیز را می‌بینی غیر از آنچه که باید ببینی و دوست داری که ببینی، جمعیت زیادی که مشخص نیست برای چه در آن پارک دور هم گرد آمده‌اند، می‌آیند، می‌روند، نگاهشان که می‌کنی جرات نزدیک شدن در وجودش می‌میرد. آنسوتر غرفه‌های عجیب و غریبی که هر کدامشان محصولاتی را به مردم ارائه می‌دهند وجود دارند که عده‌ای در کنارشان ایستاده‌اند و عده‌ای نیز از مقابلشان عبور می‌کنند. جسات که به خرج می‌دهی و نزدیکتر می‌شوی با بازار شامی روبرو می‌شوی که حتی تا چند قدمی در اصلی تئاتر شهر هم رفته‌اند، یکی کارتن پرت می‌کند، یکی فریاد می‌زند، یکی دارد می‌رود، یکی سسد معبر کرده، یکی... همه هم مشغول کاسبی اجناسی هستند که با خود به همراه آورده‌اند تا به مردم بفروشند. هرچه می‌گرددی شخصی را پیدا کنی که کتاب یا مجله یا روزنامه‌ای در دست داشته باشد و مشغول خواندن آن، هیچ هم نصیبت نمی‌شود. با خودت می‌گویی: «کنه من اشتباه آمدم، اینجا بازاره یا پارک دانشجو؟» از آن همه انسان فریخته که در گذشته در این منطقه حضور داشتند و هر از گاهی برای گذران وقت یا گپ و گفت با دوستانشان و یا برای تماشای یک نمایش به آنجا می‌آمدند خبری نیست و جایشان را کسانی گرفته‌اند که هیچ سختی‌ای در پارک دانشجو و «تئاتر شهر» ندارند. این موضوع از همه بیشتر دل کسایی را به درد می‌آورد که به واسطه شغلشان در گذشته‌های دور بیش از همه به این مکان رفت و آمد داشتند، آنان که امروز مو سبید کرده‌اند و دلشان از همه بیشتر حال و هوای آن دوران پارک دانشجو و «تئاتر شهر» را می‌خواهند. آنان افرادی هستند که جوانی شان را، شور و نشاطشان را و هر آنچه که داشتند را در مسیر آمدن و رفتن و داخل شدن و بیرون آمدن به این پارک و آن سالن هزینه کرده‌اند. معلوم است امروز وقتی شرایط این محل را چنین اسفبار می‌بینند صدایشان در بیاید و گلابی‌هایی را مطرح کنند.

علی نصیریان: محوطه پیرامون تئاتر شهر که جزو حریم این بناست و مربوط به شهر نیست، خیلی ولنگ و باز است و افراد مختلف می‌توانند به آنجا بایند و هزار کار و حتی کارهای خلاف انجام دهند. صحیح نیست که وضعیت تئاتر شهر اینگونه باشد. وقتی به تماشای تئاتر یا اپرا در کشورهای دیگر می‌رویم، می‌بینیم که چقدر در نگهداری و محافظت آن بناها اهتمام شده در صورتیکه ما اصلا به این موضوع در خصوص تئاتر شهر توجه نمی‌کنیم. من خدمت شهردار محترم تهران ارادت دارم و ایشان در موارد متعدده به ویژه فوت همسر من به دستاوردی داشته‌اند. به همین دلیل استدعا می‌کنم دستور بدهند حریم تئاتر شهر مشخص شود و به حریمش رسیدگی شود تا این مجموعه محفوظ بماند. خواهش من این است که برای تئاتر شهر هم مانند «تالار وحدت» اقدام شود. شهردار تهران لطف کنند و دستاورد بدهند که حریم تئاتر شهر نیز هم به لحاظ زیبایی بنا و هم زیبایی شهر، شکل بگیرد و به آن رسیدگی و از تئاتر شهر هم محافظت شود.»

- منیژه محاسدی: «قبیل ما مجموعه تئاتر شهر دارای حریمی مشخص بود. یاد هست وقتی که نمایش «پرواز بر فراز آشیانه» فاخته» را در تئاتر شهر اجرا می‌کردیم با استقبال خیلی خوب مخاطبان همراه بود و همان حریم مشخص باعث می‌شد تا

آفتاب یزد - گروه فرهنگی: قدیم چقدر خوب بود، چه رنگ و بوی دل انگیزی داشت، خیابانها خلوت بودند، ماشین‌ها اینقدر زیاد نبودند، حتی آدمها تعدادشان کمتر بود، سر و صدا کمتر بود، بوق کمتر بود، دود کمتر بود، ترافیک کمتر بود، به جای همه این کلمات درختان بیشتر بودند، هوای پاک و پاکیزه بیشتر بود، پرندگان بیشتر بودند، حتی آن زمانها کلاغ‌های تمام سیاه که صدای قارقارشان آزاردهنده بود هم بیشتر بودند، پروانه‌ها بیشتر بودند، حتی گاهی، هر از گاهی ملخ‌هایی را می‌دید که چاردمست وار از اینجا به آنجا می‌پریدند و برای خودشان زندگی می‌کردند. آدمها هم مهربانتر بودند آن زمانها، هم با خودشان، هم با اطرافیان، هم با درختان، هم با پرندگان، هم با محیط زیستشان، خلاصه قدیم خیلی خوب بود ولی امروز چندان خبری از آن خوبی‌ها نیست. یکی از خصوصیت‌های خوب گذشته چهره شهر بود، چهره زیبایی شهر، چهره‌ای که متأسفانه امروز کمتر خبری می‌توان از آن یافت. با اینگونه مختلف شهرهای از جلوه‌های بصری جدیدتری برخوردار شده‌اند، با اینک بیلبرودهای الکترونیکی آمده‌اند، با اینکه بزرگراه‌ها ایجاد شده‌اند، با اینکه پردیس‌های سینمایی درست شده‌اند و با اینکه هزار چیز دیگر، اما اگر تو قدیمی باشی بی‌شک دوست داری تمام این چیزها را بدهی تا شهر و چهره شهرت شبیه آنچه در گذشته بود، باشد. این ابداء مفهومی‌ان نیست که مثلاً پیشرفت را دوست نداری و همیشه دلت می‌خواهد در گذشته باقی بمانی، بلکه معنایش آن است که در برخی موارد با این نوع چهره‌ای که اکنون برای برخی از مناطق شهری ات ایجاد شده مخالفی، دوستش نداری، به دلت نمی‌کشیند، وقتی توستو در برخی از این مکانها عبور می‌کنی به طور قطع و یقین گذشته در ذهنش تداعی می‌شود، گذشته‌ای که امروز اصلاً شباهتی به آن ندارد، گذشته‌ای که امروز حسرتش را می‌خورد، گذشته‌ای که چیزی سیاه شبیه قیر، چهره دوست‌داشتنی‌اش را پوشانده است. یکی از این مناطق که در گذشته حال و هوای باشکوهی داشت و امروز به مرکز تبدیل شده که همه نوع کاری در آن انجام می‌دهند و همه چیز در آن یافت می‌شود و آنچه در گذشته در این منطقه مانند لامپی پروژورق می‌زد و همه جا را روشن می‌کرد، امروز به سان شمع نیمه جان درآمده که در حال کشیدن نفس‌های آخروش است. در مرکز شهر واقع شده، داریم درباره پارک دانشجو حرف می‌زنیم، بوستانی که در گذشته یک قلب تپنده با نام «تئاتر شهر» داشت. قلبی که امروز بسیار دردمند و مهجور و رنجور شده است. از گذشته‌ها دور رسم بر آن بوده که هر گاه در اعضای بدن خود یا اهل خانواده یا دوستان و آشنایان جراحی می‌شد و دردی حاصل، همه به تکلیف می‌افتادند که آن بخش سلامتی خود را به دست آورد و دوباره مانند گذشته حالش خوب شود، اما مشخص نیست که به چه علتی ما این رسم خوب را درباره شهری که در آن زندگی می‌کنیم، رعایت نمی‌کنیم. مثلاً همین «تئاتر شهر» یا به عبارت بهتر پارک دانشجو، در گذشته که از کنارش عبور می‌کردی درختان، پرندگان، حوض وسط آن پارک، صندلی‌های سنگی، گلها و گیاهانی که در جای جای آن بوستان خاشوخت کرده بودند تو را به نزد خود صدا می‌زدند تا آدمی بروی کنارشان بنشیند، روی صندلی‌ها می‌نشیند و چشمات قرار داشت را نظاره کنی، پیرمردها هم بودند، جوانها اما بیشتر، اکثر قریب به اتفاقشان هم قشر فریخته و فرهنگی بودند، چرا که آنجا جدا از اینکه یک پارک بود و جایی برای استراحت و تفریح، به واسطه وجود ساختمان زیبایی که در وسط آن پارک قرار داشت بیشتر یک مرکز فرهنگی و هنری به حساب می‌آمد، مرکزی که هنرمندان زیادی به آنجا می‌رفتند و در سالن‌های مختلف به اجرای نمایش‌های صحنه‌ای مشغول می‌شدند و مردم زیادی هم برای تماشای آن نمایش‌ها به آن مرکز رفته و بلیت می‌خریدند، داخل سالن‌ها می‌شدند، روی صندلی‌ها می‌نشیندند و به تماشای نمایش‌های صحنه‌ای مشغول می‌شدند. بیرونی‌ها هم (آنان که که در محوطه پارک نشستند بودند یا مشغول مطالعه کتاب و روزنامه و مجله بودند و یا مشغول گفتگو با یکدیگر و یا مشغول تماشای درختان و پرندگان و پر پیت و آنجلینا جولی فروخته شدند) تصویری بودند که اگر قدیمی باشی و اهل قدیم، وقتی صحبت از



دوبلد»، کیورتور نمایشگاه در بخشی از کتاب این رویداد نوشته اس: «آیدین آغداشلو مجموعه خاطرات انهدام خود را در اواخر دهه ۱۹۷۰ شروع کرده به همین دلیل می‌توان استفاده آغداشلو از نقل قول‌ها و ارجاعات تاریخی را واکنشی به سبتر سیاسی آن دوره دید. اما ما خواش دیگری را دنبال می‌کنیم: از آن خودسازی و ساختار شکنی آغداشلو فراتر از جنبش‌های ضدفرمالیستی... گفتنی ست این نمایشگاه توسط ملکه بلژیک، ماتیلده ماری کریستین افتتاح شد.

از مسئولان خواهش می‌کنیم لطف کنند سامان بخشیدن به وضعیت اسفناک پارک دانشجو و محوطه «تئاتر شهر» را در اولویت همه کارهایشان قرار دهند و اقدامی عاجل در جهت رفع این معضل که حالا دیگر می‌توان از واژه «خطرناک» برایش استفاده نمود، انجام دهند و باور کنند که همین الان هم برای اقدام خیلی دیر شده است

مزاحمتی برای مخاطبان که تعدادشان خیلی زیاد بود ایجاد نشود و آنها به راحتی بتوانند در فضای اطراف و داخل تئاتر شهر حضور داشته باشند. در آن مقاطع زمانی تا قبل از اینکه حریم تئاتر شهر برداشته شود، فضای پیرامون مجموعه بسیار تمیز، پاک و امن بود. مجموعه تئاتر شهر نه پارکینگ دارد و نه حریمی مشخص. باید به این وضعیت رسیدگی شود و فضایی در شأن این بنا شکل بگیرد.» - هادی مرزبان: «می‌دانم چرا در برنامه‌ریزی شهری، تئاتر شهر را به حساب نمی‌آورند و فکری بابت وضعیت غم‌انگیز آن نمی‌کنند. با وجود اینکه در این سال‌ها تاترهای زیادی راه‌اندازی شده‌اند، تئاتر شهر همچنان قبیله‌ آمل و مدینه فاضله بسیاری از فعالان تئاتر در تهران و دیگر شهرهاست و بسیاری از جوانان هنوز آرزو دارند در این مجموعه روی صحنه بروند ولی متأسفانه این مکان زیبا که یکی از نمادهای مهم شهر تهران است، همچنان با بی‌اعتنایی مسئولان رو به روست. وقتی به این مجموعه نزدیک می‌شویم، به جای اینکه با فضایی فرهنگی و هنری رو به رو شویم، با هر چیزی برخورد می‌کنیم به جز فضای فرهنگی. دستفروشان دور و بر تئاتر شهر هم محترم هستند ولی هر کسی جایی دارد. در این میان بی‌در و پیکر بودن پارک دانشجو هم قوز بالا قوز شده است. در این پارک همه جور آدمی و همه نوع خلایق وجود دارد. یک خانواده با چه امنیتی می‌تواند برای تماشای نمایش به تئاتر شهر بیاید یا چگونه فرزندان جوان خود اجازه ورود به این مجموعه را بدهد. آرزو داشتیم روی نیمکت‌های پارک دانشجو کسانی را کتاب به دست و در حال مطالعه ببینیم و جالب اینجاست اگر کسی دست بر قضا در حال کتاب خواندن در این پارک دیده شود، احتمالاً مورد تمسخر قرار می‌گیرد. امیدوارم مسئولان فکری برای حریم تئاتر شهر بکنند و این مجموعه با بهرمند شدن از حریم امنی که متناسب با این بنا و معماری و جایگاه فرهنگی‌اش باشد، قدری سر و سامان پیدا کند و از این وضعیت تاسف برانگیز رها شود.

اینها نقطه نظرات سه تن از پیشکسوتان عرصه هنرهای نمایشی بود که اظهاراتشان نشان می‌دهد که بیش از آنکه هنرمند باشد از دغدغه هنری برخوردارند، هم برای ساحت مقدس هنر، هم برای مکانی که هنر در آن اجرا می‌شود، هم برای مردمی که به تماشای این هنر می‌نشینند. هر کدام از این عزیزان سالها به این منطقه رفت و آمد داشته و نمایش‌های بیشماری را در سالن‌های مختلف «تئاتر شهر» روی صحنه برده‌اند. آنها هم از وضعیت ساختمان تئاتر شهر گلایه دارند و هم از وضعیت پارک دانشجو. جالب اینجاست که این انتقادات در گذشته هم عنوان شده‌اند تفاوتشان با انتقادات امروز در این است که هرچند انتظار می‌رفت با بیان این گلایه‌ها از تعداد مشکلات کمتر شود اما متأسفانه بیشتر هم شده، چه آنکه در گذشته شرایط «تئاتر شهر» و پارک دانشجو با وجود مشکلات زیاد، بسیار بهتر از امروز بود. این موضوع نشان می‌دهد که هیچ مسئولی برای حل مشکلات و معضلات پارک دانشجو و «تئاتر شهر» اقدام متمرثی انجام نداده است.

سخنی با مسئولان

روی سخن این بخش از گزارش با متولیان امر و مسئولان مسائل شهری است، از سازمان زیباسازی شهر تهران گرفته و شورای شهر گرفته تا شهرداری تهران و هر نهادی که مسئولیت این موارد جزو وظایف آن است. می‌خواهیم بگوییم: «دوستان، عزیزان، مسئولان محترم اصلا به فرض که تمام آنچه در این گزارش آمد از پایه و اساس وهم و خیالی بیش نیست و هرچه را هم که از زبان پیشکسوتان عرصه هنرهای نمایشی در این گزارش بیان کردیم، از خودمان درآوردیم. اما خواهش می‌کنیم، از شما خواهش می‌کنیم که برای اینکه خیالات از بابت دروغ یا راست بودن آنچه در این گزارش مطالعه کردید راحت نشوید، یک روز بعدازظهر حوالی ساعت چهار به بعد سسزده به پارک دانشجو بروید و در محوطه نزدیک «تئاتر شهر» قدمی بزنید. اگر اوضاع بر وفق مراد بود و همه چیز روال عادی خود را داشت و شما توانستید خودتان فقط خودتان (بدون همراه بردن خانواده) فقط یک ساعت در آن محوطه قدم بزنید و حالتان بد نشود، معلوم می‌شود ما رسانه‌ای‌ها سر و صدای الکی راه انداخته‌ایم و به قول معروف خواسته این بیاز داغ ماجرا را زیاد کنیم. اما اگر چنین اتفاقی نیفتاد و در همان نیم ساعت اول سردرد گرفتیم و حالتان بد بنشد و فرار را بر فرار ترجیح ندادید، لطفاً کنید سامان بخشیدن به وضعیت اسفناک پارک دانشجو و محوطه «تئاتر شهر» را در اولویت همه کارهایتان قرار دهید و اقدامی عاجل در جهت رفع این معضل که حالا دیگر می‌توان از واژه «خطرناک» برایش استفاده نمود، انجام دهید. باور کنید که همین الان هم برای اقدام خیلی دیر شده است.

جکی جان در تلویزیون

آفتاب یزد: فیلم سینمایی «کونگ فو بوکا» محصول ۲۰۱۷ کشور چین در زائر اکشن، خانوادگی به کارگردانی «استلی تانگ»، ۴۰ دقیقه بامداد پنج شنبه ۱۴ اسفندماه از شبکه پنج نمایشی می‌شود. در این فیلم جکی چان (پروفیسور باستان شناس چینی) به همراه پروفیسوری از هند و دستیارش در جستجوی گنجینه‌ای به نام ماگدا هستند و اما هنگام جستجو شانه‌هایی از گنجینه را در غار تبت پیدا می‌کنند، متوجه می‌شوند که...

شاهکارهای فرانسوی در استرالیا

بیش از ۱۰۰ شاهکار هنری امپرسیونیستی فرانسه از جمله ۱۹ تابلو از کلود مونه امسال از موزه هنرهای زیبا در بوستن آمریکا به ملیون سفر می‌کنند تا در قالب بخشی از نمایشگاه زمستانی شاهکارهای گالری ملی ویکتوریا به نمایش درآیند. «تونی ال‌وود» (مدیر گالری ملی ویکتوریا) روز دوشنبه از برنامه‌های سال ۲۰۲۱ این گالری رونمایی و در آن به افتتاح نمایشگاه آثار استادان امپرسیونیست اشاره کرد. قرار بود اعلام برنامه شش روز پیش انجام شود که به دلیل قرنطینه سراسری در ملیون، به تأخیر افتاد. «کلود مونه»، «کامیل پیسارو»، «ادگار دگا»، «پیر-آگوست رنوار» و «مری کاسات» نمایندگان نقاشان امپرسیونیست فرانسه در این نمایشگاه خواهند بود. ۷۹ تابلو از آثار ارائه‌شده به گالری ملی ویکتوریا پیش از این هرگز در استرالیا به نمایش درنیا آمده‌اند. قرار است همزمان با این نمایشگاه، ۲۷۰ اثر از هنرمندان استرالیایی از جمله «تام رابرتس»، «آرتور استرین»، «کلارا ساوون» و «جین ساترلند» از گالری‌های مهم دولتی و انبار مجموعه‌داران خصوصی در یک نمایشگاه در معرض دید دوستداران هنر امپرسیونیستی قرار گیرد. قدمت بیشتر این تابلوها به اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بازمی‌گردد، به گزارش هنرآنلاین، گالری ملی ویکتوریا پس از پایان قرنطینه سراسری دوساله از ۲۲ نوامبر آغاز به کار کرد. دومین سه‌سالانه این گالری ماه دسامبر افتتاح شد و با وجود محدود شدن ظرفیت پذیرش آن، بیش از ۳۰۰ هزار نفر از آثار سه‌سالانه بازدید کردند.



رویدادهای هنری

آسرای و همراهی با مردم

فریدون آسرای خواننده موسیقی پاپ با اشاره شرایط کرونا گفت: هنرمندان جدایی از مردم نیستند و شیوع ویروس کرونا و مشکلات آن برای تمام جامعه است و هنرمندان نیز مانند دیگر افراد سعی می‌کنند در هیاهو و جاهای شلوغ حضور نداشته باشند اما هنرمند نسبت به جامعه یک وظیفه مهم دارد و او باید در این شرایط اجتماعی کارهای متفاوتی را آماده کند تا بتواند همراه دیگر اقشار جامعه فضای متفاوتی را برای قرنطینه و روزهای تنهایی مردم بسازد. اپانا

پایان ضبط «نون.خ»

فیلمبرداری فصل سوم سریال «نون.خ» از اواسط مهرماه با حفظ پروتکل‌های بهداشتی در تهران آغاز شد و بعد از بیش از ۱۴۰ روز، صبح روز گذشته ۱۲ اسفند به پایان رسید. به گزارش ایلنا، فصل سوم سریال «نون.خ» از ۱۶ قسمت برای پخش در نوروز ۱۴۰۰ از شبکه اول سیما ساخته می‌شود.

آغاز ضبط «کشتار»

فیلمبرداری فیلم کوتاه «کشتار» به کارگردانی حمید شاهمردی و تهیه‌کنندگی محمد دریایی آغاز شد. به گزارش مهر، «کشتار» که مضمونی اجتماعی و انسانی دارد داستان دعوی کودکان ۲ بچه است که پدرهای شان آن را به جنگ تبدیل می‌کنند...

کاروان دف صبا، آمد

آلبوم «کاروان دف صبا» اثری تازه از آرش زنگنه آهنگساز موسیقی است که به تازگی در قالب بررسی رتم روی پنج اثر از قطعات زیبای زنده یاد ابوالحسن صبا هنرمند فقید موسیقی ایرانی پیش روی شنوندگان قرار گرفته است. به گزارش مهر، زنده یاد ابوالحسن صبا از جمله هنرمندان ارزنده موسیقی ایران است از او به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های موسیقی معاصر ایران یاد می‌کنند.

گردهای... کلید می‌خورد

علی عبدالزاده فیلم بلند سینمایی «گردهای مقل شیرینی» را تابستان ۱۴۰۰ جولی دوربین می‌برد. به گزارش پانا، این فیلم، یک درام اجتماعی درباره قضاوت و پنهانکاری‌های پیچیده آدم‌ها است و پنج بازیگر اصلی دارد که بیشتر آنها از میان چهره‌های مطرح بازیگری انتخاب خواهند شد.

آفتاب شاهنامه خوانی

جنگ کاوس شاه‌مازندران

چو آگاهی آمد بکاوس شاه که تنگ اندر آمد ز دیوان سپاه فرمود تا رستم زال زر نخستین بران کینه بند کمر بطوس و بگودرز کشاورگان بگیو و بگرگین آزادگان فرمود تا لشکر آراستند سنان و سپرها بپیراستند سرآبرده شهریار و سمران کشیدند بر دشت مازندران ابر میمنه طوس نوزد بپای دل کوه پیر ناله کز نای چو گودرز کشتاد بر میسره شده کوه آهن زمین یک سره سپهدار کاوس در قلبگاه ز هر سو رده بر کشیده سپاه پیش سپاه اندرون پیل تن که در جنگ هرگز ندیدی شکن یکی نامگذاری ز مازندران بگردن برآورده گرز گران که جویان بدش نام و جوینده بود گردانیده گرز و گوینده بود بدستوری شاه دیوان برفت به پیش سپهدار کاوس نقت همی جوشن اندر تش بر فروخت همی نقت تیغش زمین را بسوخت بیامد یابارن سپه برگذشت توفیقد از آواز او کوه و دشت همی گفت با من که جوید نبرد کسی کو بر انگیزد از آب گرد نشد هیچکس پیش جویان برون نه رگشان بچنید در تن نه خون باآواز گفت آن زمان شهریار بگردان هشیار و مردران کار که زین دیوتان سر چرا خیره شد از آواز او رویشان تیره شد ندادند پاسخ دلیران بشاه ز جویان بپژمرد گفنی سپاه یکی بر گرایید رستم عنان بر شاه شد تاب داده سنان که دستور باشد مرا شهریار شدن پیش این دیو ناسازگار بدو گفت کاین کین کار گز ازیران نخواهد کسی این جنگ جست چو بشنید از این سخن پهلوان بیامد بگردار شیر زبسان بر انگیخت رخسار دلوار ز جای بچنگ اندرون نیزه سرگرگی باورد که رفت چون بیل مست یکی بپیل زیر ازدهایی بدست عنان را ببیچید و بر خاست گرد تا بانکش بلرزید دشت نبرد جویوان چنین گفت کای بد نشان بیفکنده نامت ز گردنکشان کنون بر تو بر جای بخشایش است نه هنگام آورد و آرامش است فرایند ترا آنک زاینده بود فرزانده بود از گزاینده بود بدو گفت جویان که ایمن مشو ز جویان و از خنجر سر در و که اکنون بدزغ جگر مادرت بگیرد بدین جوشن و مغفرت چو آواز جویان برستم سفید خروشی چو شیر زبای برکشید پس پشت او اندر آمد چو گرد سنان بر کمر بند او راست کرد زره نیزه بر بند درغ و زره از نماند ایچ بند و گره ز زینبش جدا کرد و برداشت چو بر باسن مرغ برگاشتشت بینداخت از پشت اسبش چاک دهبان ز خون و زره چاک چاک لیبران و گردان مازندران بخیره فرو ماندند اندران سپه شد شکسته دل و زرد روی بر آمد ز آوردگه گفتگوی فرمود سالار مازندران بیک سر سپاه از کران تا کران که یک سر بتازید و جنگ آورد همه رسم و راه پلنگ آورد

آفتاب کوتاه از هنر

تور جهانی «آوا»

فیلم کوتاه «آوا» به کارگردانی و نویسندگی ساسان کریمی و تهیه‌کنندگی لیلی بلوکات سعید دادگر در اولین حضورهای بین‌المللی خود به جشنواره‌های «Taos Shortz» آمریکا و همچنین هفتمین دوره جشنواره «Beeston» در بریتانیا راه یافت. به گزارش صبا، جشنواره بین‌المللی «Taos Shortz» آمریکا که پانزدهمین دوره خود را پشت سر می‌گذارد، از ۱۹ تا ۲۱ مارچ برگزار می‌شود و هفتمین دوره جشنواره «Beeston» هم از ۲۲ تا ۲۸ مارچ میزبان اثری از قاره‌های مختلف دنیا خواهد بود.

آفتاب نقاشی «چرچیل» فروش رفت

یک نقاشی از منظره‌ای در مراکش که توسط وینستون چرچیل کشیده شده و متعلق به آنجلینا جولی بود، روز دوشنبه در یک حراجی به ارزش ۱۱/۵ میلیون دلار فروخته شد و رکورد قبلی آثاری که به دست این شخصیت سیاسی کشیده شده بود را شکست. این نقاشی به نام «برج مسجد الکتیبه» در حراج کریستیزی لندن به ارزش ۸ میلیون و ۲۸۵ هزار پوند فروخته شد. پیش از این تخمین زده می‌شد که این اثر با قیمت ۲ میلیون پوند به فروش برسد و اکنون ۴ برابر این تخمین فروخته شده است. این اثر از یک مسجد در قرن بیستم و غروب شهر مراکش که کوه‌های اطلس آفریقا نیز در پس زمینه آن دیده می‌شود، اثری مهم

آفتاب راه‌بقای سالن‌های قدیمی سینما چیست؟

محمد قاصد اشرفی رئیس انجمن سینماداران درباره وضعیت و سرنوشت سینماهای قدیمی که یکی دو سالن بیشتر ندارند و به نظر می‌رسد در بحران کرونا بیش از گذشته در معرض تعطیلی قرار گرفته‌اند بیان کرد: درباره این موضوع کمی برداشت‌ها اشتباه است چون خیلی از این سینماها در چند سال اخیر فعالیت خود را تا حدودی داشته‌اند ولی در شرایط فعلی تقریباً بیشتر سالن‌ها در حال تعطیلی هستند نه فقط سینماهای قدیمی یا یک یا دو سالن. دلیل آن هم این است که فیلمی برای اکران نداریم، به گزارش ایسنا، ولی درباره اینکه اینکه آیا راهکاری وجود ندارد تا سینماهای همچون «عصر جدید» تعطیل نشوند، با تاکید

آفتاب نقاشی «چرچیل» فروش رفت

در تاریخ هالیوود و تاریخ سیاسی محسوب می‌شود. این نقاشی تنها اثری بود که توسط وینستون چرچیل طی جنگ جهانی، بعد از کنفرانس کارابالانکا تکمیل شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از فاکس نیوز، روزولت و چرچیل افرادی بودند که بعد از این کنفرانس به مراکش رفته و چرچیل این نقاشی را به عنوان یادبود از این سفر به روزولت هدیه داد. این نقاشی توسط پسر روزولت، پس از مرگ پدرش در سال ۱۹۴۵ فروخته شد و دوباره در سال ۲۰۱۱ به خانواده پدر پیت و آنجلینا جولی فروخته شد و اکنون نیز توسط خانواده جولی به فروش رسیده است.

آفتاب (سنت لاوکوتون) در تئاتر شهر

نقد و بررسی و جشن امضای نمایشنامه «سنت لاوکوتون» به نویسندگی بهرام شادانفر خواهد بود. به گزارش مهر، این تالار مشاهیر تئاتر شهر روز جمعه پانزدهم اسفند ماه میزبان مخاطبان و علاقه‌مندان تئاتر را برگزاری آیین رونمایی، نمایشنامه خوانی،

راه‌بقای سالن‌های قدیمی سینما چیست؟

محمد قاصد اشرفی رئیس انجمن سینماداران درباره وضعیت و سرنوشت سینماهای قدیمی که یکی دو سالن بیشتر ندارند و به نظر می‌رسد در بحران کرونا بیش از گذشته در معرض تعطیلی قرار گرفته‌اند بیان کرد: درباره این موضوع کمی برداشت‌ها اشتباه است چون خیلی از این سینماها در چند سال اخیر فعالیت خود را تا حدودی داشته‌اند ولی در شرایط فعلی تقریباً بیشتر سالن‌ها در حال تعطیلی هستند نه فقط سینماهای قدیمی یا یک یا دو سالن. دلیل آن هم این است که فیلمی برای اکران نداریم، به گزارش ایسنا، ولی درباره اینکه اینکه آیا راهکاری وجود ندارد تا سینماهای همچون «عصر جدید» تعطیل نشوند، با تاکید

نقاشی «چرچیل» فروش رفت

یک نقاشی از منظره‌ای در مراکش که توسط وینستون چرچیل کشیده شده و متعلق به آنجلینا جولی بود، روز دوشنبه در یک حراجی به ارزش ۱۱/۵ میلیون دلار فروخته شد و رکورد قبلی آثاری که به دست این شخصیت سیاسی کشیده شده بود را شکست. این نقاشی به نام «برج مسجد الکتیبه» در حراج کریستیزی لندن به ارزش ۸ میلیون و ۲۸۵ هزار پوند فروخته شد. پیش از این تخمین زده می‌شد که این اثر با قیمت ۲ میلیون پوند به فروش برسد و اکنون ۴ برابر این تخمین فروخته شده است. این اثر از یک مسجد در قرن بیستم و غروب شهر مراکش که کوه‌های اطلس آفریقا نیز در پس زمینه آن دیده می‌شود، اثری مهم

(سنت لاوکوتون) در تئاتر شهر

نمایشنامه طی روزهای گذشته توسط انتشارات «حامش» در دسترس مخاطبان قرار گرفته بود.